

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۵ می ۲۰۱۵

## مجلس دهم (در عدم تکلیف)

شیخ بزرگوار عبدالقادر (رَضِيَ اللهُ عَنْهُ)، روزیکشنبه چهاردهم ماه شوال سال ۵۴۵ هجری قمری چنین فرمودند:  
رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «أَنَاوَلَاتُقِيَاءَ مِنْ أُمَّتِي بِرَأءٍ مِنْ التَّكْلِيفِ»-(من وپرهیزکاران از امتم از تعهد انجام کاری که بر اساس عقل و عرف (صحیح) نباشد، بدوریم). از روی اجبارکاری را انجام نمی دهیم.  
پرهیزکار در عبادت حق راه تکلف نمی پیماید و خدای را ظاهراً و باطناً و بدون تکلف و رنج عبادت می کند. اما منافق در احوال و افعلش رنگ ریا و تکلف ظاهر است، خصوصاً در عبادت خداوند عزوجل، رنج ظاهر عبادت را تحمل می کند، اما در باطن از خدا بدور است. قادر نیست که به مقام متقین و پرهیزکاران دست یابد.  
هرسخن راجائی است، و هرکاری خاص مردانی است. مردان برای مبارزه با نفس آفریده شده اند. ای گروه منافقین از دور و نیهایتان توبه کنید، و از گریز و فرار از حق دست بردارید و به سوی خداوند برگردید. اما! چگونه شیطان را که برویتان می خندد و وعده شفا به شما می دهد رها می کنید؟!  
اگر نماز می خوانید، یاروزه می گیرید، برای رضای خلق است نه خالق. و همچنین پرداخت زکات و انجام حج تان به خاطر رضایت مردم است. «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ»، عمل کننده ای که رنج بیپوده تحمل می کند بزودی در «نارحامیه» آتش داغ و سوزان افکنده می شود. و این در صورتی است که در صدد تدارک و جبران نباشید و توبه نکنید.  
بر شما پیروی صادقانه، بدون هرگونه بدعت (۱) و خلاف شرع، لازم و واجب است. بر شما لازم است از مذهب گذشتگان صالح پیروی کنید. در جاده مستقیم حرکت نمایند. از تشبیه و تعطیل بر حذر باشید (۲)، بلکه به سنت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) اقتداء نمایند.  
اقتدائی بدون تکلف و زبان آوری و ظاهر سازی، تا شما را همان سعه صدر عطا نماید که به کسانی که پیش از شما بوده اند عطا فرموده.

شگفتا! وای بر تو! قرآن را حفظ می کنی ولی بدان عمل نمی کنی! سنت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) را یاد می گیری و از عمل به آن خودداری می ورزی! پس برای چه این کارها را انجام می دهی؟ مردم را به اعمال نیکو امر می کنی ولی خود خلاف آن را انجام می دهی. دیگران را از منکر نهی می کنی و خود به ارتکاب آن می پردازی. «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»-(نزد خدا ناپسند و موجب خشم است، آن که چیزی بگوئید و بدان عمل نکنید. سوره صف آیت ۳).

چرا چیزی می گوئید و بدان عمل نمی کنید؟ چرا به ایمان به خدا دعوت می کنید و خود ایمان نمی آورید؟ ایمان نیروی مقاومت و پایداری در برابر آفات و عامل صبر و بردباری در برابر سختی است. هموست دشمن افکن و جنگجو در مقابل

دشمنان درونی و شهوات نفسانی، ایمان است که مؤمن رادرنیا و آخرت گرامی می دارد. ایمان بقرب خدا فرد را گرامی می دارد و نفس آن را قریب شیطان می گرداند.

کسی که از درگاه حق محروم شد روی به درگاه خلق می آورد. کسی که راه حق را گم کرد و گمراه شد به راه خلق می پیوندد. خداوند برای هرکسی نیکی بخوهد، در خلق را بر روی اومی بندد و عطای خلق را از او بازمی دارد، بلکه باین طریق به خدا برگردد و از لجن زار به ساحل برسد، و از نیستی به هستی بیاید.

شگفتا! شادمانی به این که در زمستان در میان گل ولای و لجن زار کنار رود خانه نشسته ای، بزودی تابستان فرامی رسد و آب اندک ساحلی که توبدان قناعت کرده ای خشک می شود و جایگاهت نابود می گردد. اما آب رودخانه حقیقت که از آن دوری گرفته ای، نه در تابستان خشک می شود و نه در زمستان، بلکه در تابستان همچنان جاری است و در زمستان زیاد می شود. به خدای برگردد و مقیم درگاه او باشی تا، توانگر و امیر گردید. کسی که جز از خدا از همه چیز اظهار بی نیازی کرد، تمام مردم بدون نیازمند می شوند، و این چیزی است که باخواهش و تمنا به دست نمی آید. بلکه حصول آن به دل صافی که عمل، آن را تأیید کرده باشد، ممکن است.

(یاغلام) باید به گنگی عادت کنی و لباس گمنامی در برنمائی و از خلق بگریزی، چنانچه توانائی داری لانه ای در زیر زمین برای خود تعبیه کنی، آن را آماده نما. باید این روش و رفتارت باشد، تا در نتیجه گرایش به خدا ایمانت شکوفا و قدم یقینت ثابت گردد و مرغ صدقت بیرواز درآید، چشمان باطنت روشن شوند، خاک مسکنت به هوا رود و خود به آسمان علم الهی پرواز کنی، شرق و غرب، بربوهر و کوه دشت را ببینی، در زمین و آسمانها به گردش درآئی، درحالی که در پناه پناه دهنده حقیقی و راهنمای کل قرار گرفته ای. در این هنگام زبانت گویامی شود. دیگر لباس گمنامی را از تن بدرار، و گریز از خلق را رها کن و از لانه ات بیرون آی و به سوی خلق بشتاب. چون در اینحال دیگر تو برای آنان در حکم دوائی، بدون این که زبانی متوجه خودت گردد. اما به بیش و کم و توجه و بی توجهی مردم منگر، ستایش و بد گوئی آنان را چیزی مشمار، چون توبخدائی هر جا افتادی دستگیر خواهی شد.

(یا قوم نوح خدای یکتا را بشناسید، و ادب دین و دنیا را در پیشگاهش رعایت کنید. تازمانی که از خدا دور باشید اعمال و رفتار شما ناپسند است و هرگاه نزدیک شدید، دارای حسن اعمال خواهید شد.) داد و قال چاکران تا وقتی است که ملک به دربار نیامده است به محض ورود پادشاه گنگی همه را فرامی گیرد و با ادب به او نزدیک می شوند، یا هرکدام به گوشه ای می گریزند. پس نزدیکی به خدا موجب وقار سنگینی ذاتی می شود.

روی آوردن به خلق و دور شدن از خالق عین بدبختی است. تا از اسباب ظاهری توجه به عطای خلق و انتظار سود و زیان از آنان، روی گردان نشوی، روی نجات و رستگاری نخواهی دید.

شما تندرستانی هستی بیمار، توانگرانی درویش، زندگانی مرده، موجودهای معدوم. تابه کی دوری و فرار از خدای عزوجل و روی گردانی از او؟ تاکی آباد کردن دنیا و خراب نمودن آخرت؟! هر یک از شما یک قلب دارید، پس چگونه دنیا و آخرت را (باهم)، با آن دوست دارید؟ چگونه حب خلق و خالق را در آن جای داده اید؟! چگونه این حالات (علاقی) یکجا جمع می شود؟! مسلماً این ادعا دروغ است. در اینمورد رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) می فرماید: «**الْكُذْبُ مَجَانِبُ الْإِيمَانِ**»- (دروغ ایمان را از دل دور می کند).

از هر طرفی آن میترود که در اوست، اعمال تو دلیل اعتقادت می باشد، ظاهر نشان باطن است. روی این اصل گفته شده است:

«**الظاهر عنوان الباطن**»- (ظاهر نشان باطن است). باطنت نزد خدا و خواص نمایان است. هرگاه به یکی از این خواص برخوردی باراهنمائی او از گناهانت توبه کن. پیش از آن که در پیشگاه حق حاضر شوی، پیش مردان خدا متواضع و فروتن باش، چون هرگاه به صلحا و مردان حق تواضع کردی، چنانست که به خدا تواضع نموده باشی. پس خاکسار

باش زیرا خداوند افراد فروتن و متواضع را رفیع می گرداند. نزد بزرگتر از خود با ادب رفتار کن، چون پیغمبر بزرگوار فرموده: «**الْبِرْكَهُ فِي أَكْبَرِكُمْ**»- (برکت در نزد بزرگان است). مسلماً مراد حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این گفتار فقط سالخوردگی نبوده است، بلکه به سن و سال، تقوا را نیز افزوده اند. و این خود بانجام اوامر الهی و عدم ارتکاب منهیات و عمل به کتاب و سنت ممکن می شود. وطبعاً بزرگ واقعی کسی است که دارای این خصال باشد. وگرنه چه بسیار پیرانی که قابل احترام نیستند و حتی نباید به آنان سلام داد و هیچ برکتی در دیدار آنان نیست.

بزرگان عبارتند از: پرهیزگاران، و ارعان، عالمان عامل، مخلصین در اعمال و اقوال، بزرگان عبارتند از: پاک دلان، روی گردانان از هر چیز به جز ذات خدا، روشندان به معرفت خداوند بزرگ و نزدیک دلان به مولا.

هردلی که حب دنیا در آن جای گرفت از قرب حق بدور است و هردلی که مهر حق در آن جای دارد به قرب حق خواهد رسید. دلی که پرازشوق دنیاست از جلوه حق پوشیده، و دل مملو از مهر آخرت به جلوه حق نایل می گردد. به اندازه میل و رغبت به دنیا، از میل به آخرت کاسته می شود و به اندازه میل به آخرت از عشق به دنیا کم می گردد. قدر خویش را بشناسید و در مقامی که خدا برای انسان مقرر نداشته است، نزول نکنید. در این باره یکی از بزرگان گفته: «**مَنْ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ عَرَفْتَهُ الْأَقْدَارَ قَدْرَهُ**»- (هرکس قدر خود را شناخت گردش زمان ارزش او را بیان خواهد کرد).

جائی بنشین که بلندت نکنند، هرگاه به خانه ای وارد شدی جائی منشین که برایت تعیین نشده است، در غیر این صورت باخواری ترا می رانند.

(یا غلام) تمام عمر خود را در آموختن علم بدون عمل تباه کردی، اینکار به تو چه سودی می رساند؟ رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است:

«**يَقُولُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِلْأَنْبِيَاءِ وَالْعُلَمَاءِ: أَنْتُمْ كُنْتُمْ رِعَاةَ الْخَلْقِ فَمَا صَنَعْتُمْ فِي رِعَايَاكُمْ، وَيَقُولُ لِلْمُلُوكِ وَالْأَغْيَاءِ أَنْتُمْ خَزَائِنُ كُنُوزِي هَلْ وَاصَلْتُمْ الْفُقَرَاءَ وَرَبَيْتُمُ الْإِيْتَامَ وَأَخْرَجْتُمْ مِنْهَا حَقِّي الَّذِي كَتَبْتُهُ عَلَيْكُمْ؟**»- (خدای عزوجل در روز قیامت به انبیاء و علماء می فرماید: شما سرپرستان مردم بودید، نسبت به آنان چه عملی انجام داده اید؟ و به پادشاهان و توانگران می فرماید: شما خزانه داران گنجینه من بودید، آیا حقوق درویشان را از آن ادا کردید، و آیا یتیمان را پرورش کردید. حق مرا از مالتان که مقرر نموده بودم، اخراج کردید؟).

(یا قوم) به پندهای ارزشمند رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) گوش فرادهید و آن را به گوش جان بشنوید و عمل نمائید. هرگاه می خواهم بگریزم قیچی قدر فرامی رسد و بالهای مرا قیچی می کند. من خود را دلداری می دهم و به خود می گویم که در پیشگاه ملک مقتدر هستی، احساس مسؤلیت کن.

وای بر تو! شگفتا! ای منافق آرزوی دوریم را ازین شهرداری، بدان اگر من حرکت کنم، کار دگرگون می شود و تمام ارکان اجتماع پاشیده می گردد. ولی من از خدا می ترسم، من شتاب نمی کنم و برای مبارزه و تسلیم به قدر الهی آماده ام و با تمام مقدرات موافقم.

شگفتا، تو مرا مسخره می کنی و من در پیشگاه حق ایستاده ام، که خلق را به سوی او دعوت کنم. بزودی جواب را خواهی شنید. هر اندازه، کم و زیاد، که می توانی به بالا و پائین ببری، بزودی عذاب خدای رامشاهده خواهی کرد، چه در دنیا و چه در آخرت.

من همپای زمان پیش می روم و ترقی می کنم و تو بزودی نتیجه آن را می بینی. من درید قدرت خدایم و با اراده اوتغییر و تبدیل می یابم. یک بار مرا به صورت کوهی درمی آورد، و یک بار به صورت ذره ای. یک بار بحرم می گرداند، و یک بار قطره ای، باری خورشیدم و باری جرقه ای. همچون گردش شب و روز دگرگونم می کند. «**كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ**»- (هر روز در بسامان رساندن امری است. سوره الرحمن آیت ۲۹). بلکه هر لحظه ای در ساختار امری برای شما و لحظه ای دیگر برای دیگران.

(باغلام) اگر گشایش خاطر و صفای قلب می خواهی، به گفتار مردم گوش مده و توجهی به سخنان آنها مکن. این رابدان که مردم از خدای خالق خود راضی نیستند، پس چگونه از تورا رضی خواهند بود؟ و نیز بدان که اکثر آنان نمی فهمند و نمی بینند و ایمان ندارند. دروغ می گویند و هیچ گاه راست بر زبان نمی آورند. از گروهی پیروی کن که به جز خدا، به چیزی دیگر اعتناء ندارند و جز از خدا از کسی نمی شنوند و جز به فرمان او نمی بینند و در راه خدا تحمل آزار و اذیت باک نداشته باش. بر آنچه از مقدرات به منظور آزمایش به تو روی می آورد صابر باش. این روش خدای عزوجل است در مورد دوستان و برگزیدگان خود. همه امکانات را از آنان سلب می کند و به انواع گرفتاریها دچار می سازد، دنیا و آخرت را، از خاک تا عرش بر آنان تنگ می کند، وجودشان را نابود می کند و وقتی بفنای وجود رسیدند، آن را برای خود برمی گزیند. بودشان نزد اوست نه غیر او. و آنان را خلقی دیگر و وجودی دیگر می بخشد. «ثُمَّ أَنْشَأْنَا لَهُمْ آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» - (سپس او را به صورت خلقی دیگر میگردانیم. بزرگوار است خدائی که بهترین آفرینندگان است. سوره مؤمنون آیت ۱۴-).

خلق اول آفرینشی است مشترک و این آفرینش منفرد است. در آفرینش دوم، وی را از برادرانش، هموعانیش و بالاخره از جنس بنی آدم جدا می کند. در ماهیت او تغییر و تبدیل می دهد. روحانی و پیوسته به خدای می شود و از دیدار خلق بیزار می گردد. در اسرار او و بر خلق بسته می شود. دنیا و آخرت، بهشت و دوزخ و جمیع آفریدگان و کائنات در نظرش، وجودی واحد می شود. و این وجود در نیروی باطن او جذب شده و تسلیم او می گردد، آنگاه قدرت و توان معنوی او آشکار می شود، همانگونه که عصا در دست موسی علیه السلام به اژدها تبدیل می شد، او نیز قادر به تصرف در عالم نهانی می شود.

پاک و منزله است خدائی که قدرت خود را در وجود هر بنده ای که بخواهد آشکار می کند.

عصای موسی بسیاری از وسایل سحره فرعون را بلعیده و تغییری در وضع آن حاصل نشد. قصد خدای عزوجل آن بود که بدانان تفهیم نماید که این عمل موسی قدرت است نه حکمت، زیرا، هر چه ساحران در آنروز انجام دادند تماماً سحر و جادو و به واسطه مدد از علم ریاضی بود، ولی هر چه از موسی علیه السلام ظاهر شد از آثار قدرت حق سرچشمه گرفته و معجزه موسی بود. روی این اصل رئیس ساحران به یکی از ساحران خود گفت ببین موسی در چه حالی است، گفت او را می بینم که رنگش متغیر گشته است. پس رئیس سحره گفت این از کار خداوندی است نه اعمال ساحران، چون ساحران نتیجه سحرش خوفی ندارد همانگونه که صنعتگر از مصنوع خویش نمی هراسد. لذا خود ایمان آورد و دیگران نیز از پیروی کردند.

(باغلام) چه زمانی از بند حکمت خواهی برید و به قدرت حق می پیبندی؟ چه زمانی اعمال ترا از حکمت به قدرت می رساند؟ کی از عنایت به ظواهر دور می شوی و به قرب حق نائل می گردی؟ کی خورشید معرفت ترا چنان می پروراند که بر دل عوام و خواص اثر کنی و به علت بلاها و مصائبی که به جهت آزمایش به توری می آورد، از خدا نگریزی؟

ترا به وسیله سختیها می آزماید تا معلوم گردد آیا از درگاه او برمی گردی و به اسباب ظاهری روی می آوری یا نه؟ آیا تنها به ظاهر توجه داری یا به باطن نیز اعتناء می نمی؟ آیا به آنچه درک می کنی مؤمنی یا به آنچه از درکش عاجزی؟ آیا به آنچه هم نمی بینی؟

بار خدایا ما را میازما، بار خدایا قرب خود را بدون آزمایش نصیب و روزی ما گردان، خداوند از تو قرب و لطف تقاضا می کنیم، خدایا قرب بدون بُعد را به ما عطا فرما، ماطاقت و توان دوری و بعد رانداریم. بار خدایا توان و قدرت تحمل آزمایش رانداریم، پس خداوند قرب خویش را روزی ما گردان بدون آفت ناردوری. خداوند اگر قرب بدون آفت آفات و بلاها ممکن نیست، ما را سمندر گردان، سمندری که در آتش تخم می گذارد و در آن زندگی می کند و آتش نه بدوزبانی می

رساند و نه اورامی سوزاند. بارخدایا آتش قرب خود را بر ما چون آتش ابراهیم خلیل گردان، و در اطراف ما سبزه عنایت برویان هم چنانکه در اطراف آتش ابراهیم رویاندی، ما را از تمام اشیاء بی نیاز گردان، همانگونه که خلیلت رابی نیاز کردی، ما را به انس قرب خود نائل فرما همانگونه که ابراهیم رانائل نمودی و ما را محفوظ بدار بدانسان که او را محفوظ داشتی، آمین.

ابراهم خلیل پیش از مسافرت رفیق راه را برگزید، همسایه را پیش از خانه انتخاب کرد، انیس و همنشین را قبل از وحشت و تنهائی برگزید، دارو را پیش از بیماری و صبر را قبل از گرفتاری، رضا را پیش از قضا به دست آورد، تونیز از پدربت ابراهیم یاد بگیر، به افعال و اقوال او اقتداء کن. پاک و منزّه است خدائی که در دریای بلا بدو لطف کرد و در آن دریای محنت او را شناوری آموخت و تأئیدش نمود و بردشمن پیروزی داد، تا برقله افتخار صعود نمود و دست قدرت خداوند همواره با او بود. چنان وی را پرورش داد که در هر وعده غذا بدون مهمان دست به طعام نمی برد. تمام اینها به واقع از عنایات پنهانی خداوند بود.

(یا غلام) به هنگام قضا و قدر الهی خاموش باش تا اللطاف بی پایان او را ببینی، آیا داستان غلام جالینوس را نشنیده ای؟ که در خدمت استادلال و گنگ حاضر می شد تا این که تمام علوم استاد را به گوش دل شنید و همه را یاد گرفت؟ اسرار حکمت خداوندی به علت پراکنده گوئی تو به قلبت اثر نمی کند، پس باید خاموش شد و به قضا رضاداد تابه مقصود رسید.

خداوندا، موافقت بامشیت خود را روزی ما گردان، و از منازعه و مجادله در امان بدار!  
«وَأَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

۱- بدعت در اصطلاح دین عبارت است از قول یا فعلی که مسلمان آن را گفته یا انجام داده و بدان صیغه دینی دهد، به طوریکه برای آن در کتاب و سنت (قولی یا عملی) حضرت رسول صلی الله علیه و سلم، اساس و ریشه ای یافته نشود. عن ام المؤمنین ام عبدالله عایشه رضی الله عنها، قالت قال رسول الله صلی الله علیه و سلم من احدث فی امرنا هذا مالیس منه فهورد. رواه البخاری والمسلم.

۲- مشبه و معطله دو فرقه می باشند که برای خداوند شبیه قائلند، و صفات باری را انکار می کنند. مذهب آنان را تشبیه و تعطیل می نامند.